

Journal iranian political sociology

Vol. 5, No.11, Bahman2023

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.356635.3850>

### **Analysis of the principles governing the study of reason by applying the law of Iran and France**

Advancement of human rights and attention to fundamental human rights and freedoms and efforts to protect these rights and respect the high human status on the one hand and support the community and create security and peace in society by discovering the truth and punishing real offenders on the other hand, the whole process and especially The stage of preliminary research, which is the stage of registration and preparation of evidence, has been greatly affected, In this way, the doctrine with the aim of protecting the rights of the individual and society, obliges the judicial authorities in charge of the matter and the four principles of neutrality, freedom in choosing the type of investigative actions, independence in the judicial hierarchy and observing the principle of speed in conducting investigations. It ultimately guarantees the fundamental rights and freedoms of individuals in the litigation process.t ultimately guarantees the fundamental rights and freedoms of individuals in the litigation process.

**واکاوی اصول حاکم بر تحصیل دلیل با تطبیق بین حقوق ایران و فرانسه**روح الله خلیلی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۶

مهدی اسماعیلی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۹

حسن حاجی تبار فیروزجائی<sup>۳</sup>**چکیده**

پیشرفت حقوق بشر و توجه به حقوق و آزادیهای اساسی انسان و تلاش در پاسداری از این حقوق و احترام به جایگاه والای انسانی از یک طرف و حمایت از اجتماع و ایجاد امنیت و آرامش در جامعه از طریق کشف حقیقت و به کیفر رسانیدن بزهکاران واقعی از طرف دیگر، مجموع مراحل دادرسی و به ویژه مرحله تحقیقات مقدماتی که مرحله تسجیل و تمهید ادله می باشد را به شدت تحت تأثیر قرار داده است؛ به گونه ای که دکترین در این مرحله با هدف صیانت از حقوق فرد و جامعه، مقامات قضایی متولی امر را موظف می دارد و از اصول چهارگانه بی طرفی، آزادی در انتخاب نوع اقدامات تحقیقاتی، استقلال در سلسله مراتب قضایی و رعایت اصل سرعت در انجام تحقیقات که در نهایت تضمین کننده حقوق و آزادی های اساسی افراد در فرآیند دادرسی است، تبعیت کنند.

**کلید واژه‌ها:** تحصیل دلیل، مشروعیت ادله، رعایت حقوق انسانی، دادرسی عادلانه

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

<sup>۲</sup> گروه حقوق، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران

<sup>۳</sup> گروه حقوق، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران

## ۱- مقدمه

در یک تقسیم‌بندی کلی، شیوه تحصیل دلیل در فرایند دادرسی یا قانونی و مشروع است یا غیر قانونی و نامشروع. هرگاه در تحصیل و جمع‌آوری ادله، قانون و به تبع آن، آزادی و حقوق اساسی انسان‌ها رعایت گردد، تحصیل دلیل مشروع و قانونی است و لکن اگر در این مسیر و روش ضابطه‌های قانونی نادیده گرفته شود و ارزش حقوق و آزادی‌های انسانی نادیده گرفته شود، به دست آوردن دلیل، نامشروع و غیر قانونی خواهد بود.

چالش اصلی استفاده از روش‌های غیر قانونی در دادرسی‌های کیفری همین مسأله است. مطمئناً دستگاه عدالت کیفری نمی‌تواند فقط به محصول کسب دلیل توجه کرده و از شیوه‌های تحصیل آن، غافل شود. محکومیت شخص به استناد ادله‌ای که به صورت غیر قانونی و نامشروع کسب شده است و (عدم محکومیت دولت، بابت استفاده غیر مجاز از ابزارهای غیر قانونی و غیر مشروع، مغایر اصل حاکمیت قانون و اصل تساوی شهروند و دولت در مقابل قانون است). به همین علت، با گذشت زمان، به هنگام تحصیل دلیل، رعایت موازین قانونی و انسانی بیش از پیش مد نظر قرار می‌گیرد، هرچند (به اصول صحت عمل و صداقت و امانت عملاً کمتر توجه می‌شود و شخصیت انسانی و حق و عدالت غالباً در معرض تهدید و تجاوز قرار می‌گیرد). (گلدوزیان، بی تا، ص ۱۴۵) با این وجود، دکترین و رویه قضایی با اعلام پابندی خود به اصل مشروعیت و تحصیل دلیل و رعایت قانون در اداره دلیل، تلاش نموده‌اند با تعیین حدود ثغور این اصل در دو بعد (صیانت از حقوق فردی و کرامت انسانی) و (صیانت از اعتبار و شأن مجریان عدالت کیفری) ضمن تحدید اصل آزادی دلیل، بین منافع افراد و اجتماع تعادل برقرار نمایند؛ هر چند که اصل مشروعیت تحصیل دلیل در توازی با صیانت افراد و پاسداری از اجتماع (عدالت کیفری) یکسان عمل نمی‌کند.

## ۲- رعایت حقوق فردی و کرامت انسانی

در مقام تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هر کس، امتیازهایی در برابر دیگران می‌شناسد و توان خاصی به آن می‌بخشد. این امتیاز و توانایی را (حق) می‌نامند که به مجموع آنها، (حقوق) فردی گفته می‌شود. (فاخری، ۱۳۷۹، ص ۲۸) در قوانین ملی و بین‌المللی هر چند به کرات از کرامت بشری یاد شده است، ولی تعریفی از آن ارائه نگردیده است. برخی از فلاسفه گفته‌اند (کرامت انسانی عموماً برای هدایت یک تصمیم مناسب درباره رفتار با بشر، به ویژه آنگاه که به شدت در تمامیت جسمانی و معنوی خود در معرض تهدید قرار گرفته باشد، مطرح می‌شود). پس کرامت به عنوان نماد ضد خشونت جسمانی و معنوی مطرح می‌گردد. کرامت که به معنای پاک بودن از آلودگی‌ها، عزت و شرف و کمال مخصوص به آن موجود که کرامت به آن نسبت داده می‌شود. (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰، ص ۲۸۱) تعریف شده، به واسطه وجود استعداد، قدرت تفکر و اراده به انسان بخشیده است و برای دست‌یابی به اهداف بلند انسانی از جمله آزادی، عدالت و نظم عمومی، احترام و پاسداری از آن ضروری است. (هاشمی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۹۷)

## الف- رعایت زندگی خصوص افراد

حریم خصوصی را اینگونه تعریف کرد: (قلمروی از زندگی اشخاص که تصمیم راجع به انتقال یا عدم انتقال اطلاعات درباره آن، زمان، نحوه و اندازه این انتقال، عرفاً و شخصاً با آنهاست. نظیر حق اشخاص برنامه، تصویر، صوت، عقاید، خلیقات، حریم منازل و اماکن خصوصی، حق بر اطلاعات و ارتباطات خصوصی)

(مندل، ۱۳۸۱، ش ۳، ص ۳۴). اصل مشروعیت تحصیل دلیل می طلبد تا به هنگام جمع آوری ادله با احترام به حریم مسکن و مأوای و محل کار افراد و رعایت حرمت مجموعه مراسلات و مکاتبات آنها، با حفظ اصل رازداری و گمنامی اشخاص و احترام به حق خلوت آنها، حریم خصوصی شهروندان جامعه را پاس داریم تا ضمن صیانت از حقوق فردی و کرامت انسانی آنها، از مخدوش شدن وبی اعتباری ادله اکتسابی جلوگیری نماییم.

### ب- رعایت کردن حقوق دفاعی متهم

حقوق دفاعی متهم که امروزه به عنوان جز لاینفک دادرسی عادلانه در اسناد منطقه ای و بین المللی حقوق بشر و قوانین و مقررات داخلی و ملی، مطرح و مورد حمایت قرار می گیرد و بتواند در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند. (امیدی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۵؛ تدین، ۱۳۸۸، ص ۱۷۴) هدف از پیش بینی این امتیازات و توانائی ها حمایت از حقوق متهم از جریان دادرسی و بویژه در جریان تحقیقات و جمع آوری ادله است.

در نظام حقوق ایران، هر چند معیارهایی در مورد حفظ حقوق متهم مانند اصل براءت و بی طرفی دادرسان، از دیر باز در منابع شرعی و متون فقهی مورد توجه قرار گرفته است ولی به علت عدم بازرسی و نظارت بر اقدامات و تصمیمات قضایی و همچنین فقدان ضمانت اجرای تخطی از توصیه های شرعی ناظر به حفظ حقوق دفاعی متهم، نمی توان یقین داشت که محاکمات کیفری در عمل به نحوی عادلانه و با رعایت حقوق دفاعی متهم برگزار می شده است. شاید یکی از علل که باعث شد پس از استقرار نظام مشروطه سلطنتی در ایران و از همان دوره اول مجلس شورای ملی، فکر تهیه مجموعه ای از قوانین مختلف از سوی نمایندگان مردم مطرح و دنبال گردد، توجه به همین موضوع بود که سرانجام این امید و آرزو، در قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۳۳۰ و قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ تجلی یافت و در قوانین و اصلاحات بعدی تا قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ با قوت و ضعف دنبال گردید. (آشوری، پیشین، ج ۱، ص ۶۴ به بعد) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول سی و دوم تا سی و نهم و اصول یکصد و شصت و پنجم تا یکصد و هفتاد و یکم خود بر تحکیم و تثبیت این حقوق و الزام به مراعات آنها در دادرسی های کیفری تأکید نموده است. (آشوری، ۱۳۷۲، ش ۲۹، ص ۲۶۲ به بعد)

ماده مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز به صراحت بر ترافی بودن دادرسی و رعایت حقوق دفاعی متهم تأکید می کند و اشعار می دارد (دادرسی کیفری باید منصفانه و حضوری (ترافی) باشد و تعادل میان حقوق طرفین دعوا را تضمین و تأمین نماید... هر شخص مظنون و یا تحت تعقیب تا زمانی که مجرمیت او به اثبات نرسیده باشد، بی گناه فرض می شود و... حق دارد از ادله اتهام با خیر گردد و همچنین از معاضدت وکیل مدافع بهره مند گردد) (تدین، ۱۳۸۶، ش ۱۷ و ۱۶، ص ۲۳) و بند دوم ماده ۴۲۷ همین قانون، قاضی را موظف نموده است تا تصمیم خود را بر اساس ادله ای که در جریان مذاکرات مطرح و به صورت حضوری نزد او بحث می شود، استوار کند. رویه قضایی فرانسه و دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در بسیاری از آرای خود به صراحت بر رعایت حقوق دفاعی متهم تأکید نموده اند.

در آغاز نظام کیفری ایران به علت تفتیشی و غیر علنی بودن تحقیقات مقدماتی، حقوق متهم با خطرات جدی مواجه بود، به گونه ای که در این مرحله که مرحله جمع آوری و تهیه ادله بود، وکیل مدافع از جریان تحقیقات، دور نگه داشته شده بود. در جریان اصلاحات آیین دادرسی کیفری که در سال ۱۳۳۵ با الحاق تبصره ای به

ماده ۱۱۲ این قانون به عبارات (متهم می تواند یکی از وکلای دادگستری را به همراه خود داشته باشد)، حضور وکیل در مرحله بازپرسی پذیرفته شد هرچند که این تبصره، فقط حضور دلیل و توضیحات ضروری در پایان تحقیقات را پیش بینی کرده بود ولی همین اندازه که گام مهمی در راستای ترافیعی شدن تحقیقات و تامین حقوق متهم بود. که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سی و پنجم خود در مقام حقوق دفاعی متهم، به آن اشاره کرده است.

با این وجود، در عمل با این استدلال که این اصل ناظر به رسیدگی در دادگاه هاست و قابل تسری به تحقیقات مقدماتی در دادسرا نیست، به همان حق پیش بینی شده برای متهمان در تبصره الحاقی ماده ۱۱۲ بسنده شد. ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، نه تنها بر رویه موجود مهر تایید زد و گامی در جهت اجرای اصل سی و پنجم قانون اساسی بر نداشت، بلکه به صراحت به تهدید حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی مبادرت ورزید.

در پرتو قانون تحقیقات جنایی فرانسه یعنی کد ۱۸۰۸ ناپلئون، تحقیقات مقدماتی به صورت غیر حضوری و سری برگزار می شد و متهم حق دسترسی به وکیل نداشت (آشوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۰۹) ولی در پی تحولات فراوانی که در عرصه داخلی و بین المللی پدیدار گشت، بر جنبه های ترافیعی و حضوری بودن تحقیقات به منظور تضمین حقوق دفاعی متهم، به تدریج افزوده شد. بر همین مبنا، ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه با تأکید بر حضور وکیل در تحقیقات، در مقام احترام به حقوق دفاعی متهم و رعایت اصل حضوری بودن، مقرمی دارد (اصحاب دعوا فقط می توانند در حضور وکلای خود یا پس از دعوت از آنها، استماع، بازجویی یا مواجهه شوند مگر اینکه صراحتاً از حضور وکلای خود چشم پوشی کنند).

وکلاء حداکثر پنج روز کاری پیش از بازجویی یا شهادت طرف دعوی که به او کمک می کند از طریق نامه سفارشی با درخواست اعلام وصول یا، نامبر یا رسید یا به طور شفاهی با امضا در پرونده مورد رسیدگی فراخوانده می شوند. پرونده مورد رسیدگی حداکثر چهار روز کاری پیش از هر بازجویی از شخص تحت بررسی یا هر شهادت مدعی خصوصی، در اختیار وکلا قرار می گیرد). رویه قضایی فرانسه بر آن است که در این صورت بازپرس باید پرونده کامل را در اختیار وکیل قرار دهد و به این ترتیب وکیل مدافع متهم از امتیازی که قانونگذار برای وکیل شاکی در نظر گرفته است برخوردار است. (آشوری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۵) بازپرس باید شخص را از حق خود مبنی بر انتخاب وکیل یا درخواست وکیل تسخیری آگاه سازد و متهم حق دارد پس از نخستین حضور در نزد بازپرس، آزادانه با وکیل خود در ارتباط باشد و حتی در مواردی که بازپرس متهم را ممنوع الملاقات می کند، این ممنوعیت نمی تواند مانع ملاقات وکیل با متهم گردد.

در دیدگاه دکترین حقوق کیفری فرانسه، تحصیل دلیل با شرایط مخالف با حقوق دفاعی متهم یعنی نقض کرامت انسانی یا عدم رعایت اصل دادرسی منصفانه محکوم به رد است و رویه قضایی فرانسه نیز یادآور می شود که اگر چه جرایم می تواند با هر شیوه و دلیلی اثبات گردد ولی این موضوع مشروط بر این است که ادله ارائه شده نزد قضاوت کیفری با نقض قواعد دادرسی و لطمه به حقوق دفاعی متهم همراه نباشد. در مراحل دادرسی کیفری فرانسه تا سال ۱۹۹۳ این اصل حقوق دفاعی متهم جز در مرحله قضایی، اجرای چندانی نیافته بود چرا که وکیل در مرحله تحقیقاتی پلیسی حق دخالت نداشت ولی قانون ۴ ژانویه ۱۹۹۳ که توسط قانون ۲۴ اوت ۱۹۹۳ اصلاح

گردید، دخالت وکیل در مرحله تحت نظر و تحقیقات اولیه و جرایم مشروط را امکان پذیر ساخت. ماده ۴-۶۳ قانون آیین دادرسی مقرر می دارد (از شروع تحت نظر، شخص می تواند تقاضای وکیل نماید... وکیل می تواند در شرایط محرمانه بودن مذاکرات آنها حفظ شود، باشخص تحت نظر ملاقات کند... چنانچه وکیل لازم بداند می تواند ملاحظاتی کتبی خود جهت درج در پرونده ارائه دهد... و ماده ۱۷۷ این قانون نیز، اجرای مقررات ماده فوق را در تحقیقات اولیه و جرایم مشهود امکان پذیر دانسته است.

یکی دیگر از حقوق دفاعی متهم که با اصل مشروعیت تحصیل دلیل پیوند نزدیک دارد، تفهیم اتهام، منبع تلقین و اغفال متهم است. تفهیم اتهام که به مفهوم اعلام رسمی عمل یا اعلام مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق، به زبان وبه شیوه ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم، برای او قابل درک باشد. (آشوری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۸۷) آماده است، از جمله حقوق دفاعی متهم محسوب می شود. (اردبیلی، ۱۳۸۵، ش ۴۳، ص ۵۹)

اصل ۳۲ قانون اساسی ایران به صراحت تفهیم اتهام با ذکر ادله متهم را پیش بینی نموده است و مقرر می دارد (قاضی ابتدا هویت و مشخصات متهم... را دقیقاً سوال نموده... سپس موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفهیم می کند... سوالات باید مفید و روشن باشد. سوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است...). رعایت این حق از آن جهت ضروری است که امکان رد اتهامات وارد بر متهم را فراهم سازد و تضمینات ناظر بر حقوق دفاعی وی را عملی می کند. درحقیقت با تفهیم اتهام، زمینه استفاده متهم از دیگر حقوق دفاعی خود مانند حق سکوت و معاضدت وکیل مدافع فراهم می گردد.

بازپرس باید در مورد اتهام تفهیم شده سوال کند و علاوه بر آن، این سوالات باید مرتبط، روشن، مفید و دراز هرنوع تلقین و اغفال باشد. توسل به فریب، خدعه، نیرنگ، ترغیب و تطمیع متهم به طریق اولی ممنوع است و تجاوز به حقوق متهم و نقض کرامت انسانی او به حساب می آید. ماده مقدماتی آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز در بند سوم خود آورده است که (هرشخص تحت تعقیب حق دارد که از ادله اتهام با خبر گردد... و در ماده ۲-۱۸۰ این قانون، به بازپرس اجازه داده شده است تا با نامه سفارشی اشخاص مظنون به ارتکاب جرم را احضار نماید و در این نامه، ضمن تعیین تاریخ و ساعت احضار به شخص، هرکدام از اعمالی که این بازپرس به آنها رسیدگی می کند و برای آنها تصمیم به بررسی شخص گرفته است و وصف حقوقی اعمال را تفهیم نماید و در ماده ۱۱۶ آمده است (بازپرس هویت شخص را شناسایی می کند و در حالی که وصف حقوقی اعمال وی را مشخص می کند، هرکدام از اعمالی که به او ارجاع شده و برای آنها تحت بررسی قراردادن وی، مورد تصمیم قرار می گیرد را صراحتاً به او تفهیم می کند. این اعمال و وصف حقوقی آنها در صورت جلسه ذکر می شود...).

با توجه به بند نخست ماده ۱۲۰ قانون آیین دادرسی فرانسه، در جریان بازجویی، مواجهه و شهادت اشخاص، طرح سوالاتی که ماهیت آنها به حسن جریان تحقیقات یا کرامت اشخاص لطمه وارد آورد ممنوع است و سوالات باید در چارچوب تحقیقات و مرتبط با جرایم موضوع تفهیم باشد.

احترام به حقوق دفاعی متهم مختص به مرحله دادرسی نیست بلکه این حقوق در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز رعایت گردد. قرائت و تفهیم متن کیفر خواست، مداخله وکیل تعیینی یا تسخیری، احضار شهود متهم به همان شرایط احضار شهود دادرسی، عدم اجبار متهم به اقرار و سوگند، حق اعتراض به حکم دادگاه از جمله حقوق دفاعی

متهم در این مرحله است. (حقوق دفاعی، حقوق بنیادین و اساسی است که باید در مرحله پلیس و دادرسی رعایت گردد.)

بند ۳(ه) ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که دولت ایران هم آن را امضا و تصویب کرده است، در این خصوص مقرر می‌دارد که هر متهمی حق دارد از شهودی که علیه او شهادت می‌دهد سوال بکند یا بخواهد از آنها سوالاتی بشود و از شهودی که له او شهادت می‌دهد با همان شرایط شهود علیه او، احضار و از آنها سوالات بشود. قسمت دال ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز مشابه همین حکم را ذکر کرده است. در قانون آیین دادرسی ایران، به صراحت به این حق اشاره نشده است ولی از مفاد مقررات مربوط به (شروع و کیفیت تحقیقات)، (معاینه محل و تحقیقات محلی) و (تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم) استنباط می‌شود که در این مرحله متهم حق دارد به اقدامات و اظهارات علیه خود به طور محدود واکنش نشان دهد و مراتب اعتراض خود را اعلام دارد و برای دفاع اقدام مقتضی را معمول بدارد و شهودی را معرفی کند. در مرحله دادرسی مقررات مربوط به (احضار و شهود تحقیق و مطلعین) و مقررات راجع به (ترتیب رسیدگی و صدور رای) دلالت بر این دارند که امکان اعمال حق بویژه در باره شهود و خبره یا کارشناسان وجود دارد. ماده ۳۲۶ قانون آیین دادرسی به این حق اشاره داشته و مقرر می‌دارد (وقتی که دادگاه شهادت شاهد یک طرف دعوا را استماع نموده، به طرف دیگر اعلام می‌دارد که چنانچه پرسشهایی از شاهد دارد می‌تواند مطرح نماید). هر چند در این ماده به صراحت این حق را به طرفین داده است ولی در راستای اعمال کامل این حق و محصور نشدن در معنای شاهد لازم است آن را اعم از شاهد بدانیم و به مطلعین و خبره و مامورانی که گزارش‌هایی علیه متهم تهیه کرده‌اند نیز تسری دهیم. (محمودی جانکی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۹)

این نکته را نباید فراموش کرد که اصل به دست آوردن تحصیل دلیل، که بایستی حقوق دفاعی و کرامت دادگستری را صیانت کند با جستجوی حقیقت و اصل حضوری متعادل می‌گردد، به گونه‌ای که دیوان عالی کشور فرانسه، اصل توافقی بودن را بهترین روش برای سنجش توازن شیوه‌های نامشروع و حتی مجرمانه اصحاب دعوا و گاه نیروهای پلیس با اهمیت جرایم ارتكابی دانسته است.

بنابراین، احترام به حقوق دفاعی متهم به مفهوم صیانت از حقوق افراد و احترام به جایگاه انسانی بشر است و نقض این حقوق علاوه بر لطمه زدن به کرامت انسانی و انگاشتن شأن حقوق افراد، عدول از اصل قانونمندی و مشروعیت در تحصیل ادله است که در نهایت، ادله اکتسابی با عدم رعایت حقوق دفاعی متهم را بی اعتبار و غیر قابل پذیرش می‌نماید. از همین رهگذر دلایلی که مورد بحث آزاد طرفین قرار نگیرند ولو آنکه به دست آوردن تحصیل آنها مشروع بوده باشد، به این دلیل که متهم نمی‌توانسته از دلایلی که بر علیه او اقامه شده اطلاع حاصل نماید و به تبع آن، حق دفاع از او از بین رفته است، فاقد قابلیت استناد می‌باشد، هر چند اصل تحصیل آزادانه دلیل، مدافع منفعت اجتماع و حمایت از جامعه است ولی احترام به حقوق دفاعی متهم، در راستای حمایت از حقوق افراد است و در نتیجه باید بین این دو تعادل و توازن برقرار گردد.

### ۳- صیانت از اعتبار و شأن مجریان عدالت کیفری

جایگاه و اهمیت دستگاه قضا و عدالت کیفری از گذشته (پرو، ۱۳۸۴، ص ۶۸۰) تاکنون، ایجاب می‌کند تا هرگاه سخن از نهادهای قضایی می‌شود، نقشی از اطمینان خاطر در ذهن‌ها ایجاد شود. برای مقابله با بزهکاری نباید از

روش های بزهکارانه و طرقي که بکار بستن آنها مقام عدالت نیست، بهره جست که این نقض غرض است. هر چند امروزه کم و بیش تلاش می شود، اصل مشروعیت تحصیل دلیل، فدای ضرورت و لزوم اعمال کیفر و تسریع در مبارزه با بزهکاری نگردد و پایه های این اصل یعنی رعایت حقوق افراد و احترام به عدالت و دادگستری محترم شناخته شود ولی در حقوق قدیم کسانی بودند که کشف حقیقت و مبارزه با جرایم را بهترین دلیل برای توسل به روشهای نامشروع و حتی مشروعیت بخشی به این روش ها می دانستند. برای قضات بخاطر جستجو و کشف حقیقت جنایات و جرایم، توسل به دروغ، مشروع و مجاز است و منشأ این مشروعیت حقوق الهی و انسانی است. (امیرارجمند، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰) این دیدگاه، در دکترین و رویه قضایی ایران، هر چند به ندرت به موضوع مشروعیت در روش های تحصیل دلیل توجه شده است، جایگاهی ندارد و ارائه دلیل از طرق نامشروع و غیرقانونی تحصیل شده، سبب سلب ارزش اثباتی آن دانسته شده است و بر صدور حکم محکومیت بر مبنای ادله اثبات دعوی مناسب که از طریق قانونی فراهم و تحصیل شده اند، تأکید شده است. در دیدگاه علمای حقوق و آرای محاکم قضایی فرانسه نیز بر رعایت مشروعیت در تحصیل دلیل به منظور حفظ حقوق بشر و صیانت از اعتبار مقام قضا در یک دولت مردم سالار تأکید شده است و در همین مورد اخیر، توسل دادرسان به شیوه های که قواعد صداقت و درستکاری را کنار گذاشته و در نتیجه عملی مخالف با تکالیف و کرامت قضایی باشد، به شدت سرزنش شده است و دادرسان از توسل به مکر و حيله که باعث تنزل شأن و کرامت مقام قضا می گردد، منع شده اند. پس در حقوق کیفری ایران و فرانسه، هر دادرس در رفتار خود به عنوان مسئول و متصدی قدرت عمومی باید بیشتر از افراد دیگر، شریف، صادق و وفادار باشد و از توسل به هر شیوه ای که مشروعیت دستگاه قضا را زیر سوال برده و باعث ترویج بی عدالتی و بی اعتمادی مردم به دستگاه قضا و در نهایت سلب اعتبار و مشروعیت از ادله اکتسابی می گردد، خودداری کند.

#### الف- ممنوعیت توسل به فریب و خدعه

اگر دلیل را وسیله اثبات واقعیت و کشف حقیقت قلمداد کنیم، استفاده از مکر و حيله به عنوان شیوه های ماهرانه به اشتباه انداختن و اغفال دیگری، ما را در دستیابی به این واقعیت و حقیقت دچار شک و تردید می نماید. استفاده از شیوه های مکارانه و محیلانه، مشروعیت را که به مفهوم عمل مطابق با قانون دانسته شده است، از محتوا خالی می سازد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ص ۶۵۳)

بنابراین، تحصیل دلیل از متهم باید به درستی، شفاف و از هرگونه تهدید و خشونت به دور باشد و در تحصیل ادله باید همواره ارزش های معنوی و اخلاقی مورد توجه قرار گیرد. هر چند موضوع مشروعیت تحصیل ادله آشکارا در قوانین کیفری ایران پیش بینی نشده است ولی از مفهوم برخی از مواد قانونی می توان بر رعایت قانون در تحصیل ادله را کشف کرد؛ به عنوان مثال، ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری، اغفال یا اکراه یا اجبار متهم را ممنوع دانسته است و ماده ۳۷۴ همین قانون، از مرجع کیفری خواسته است تا با تکیه بر شرف و وجدان خود که مسلماً مکر و حيله را بر نمی تابد به انشای رأی بپردازند. در رویه قضایی ایران نیز برخی از آرا به مشروع و قانونی بودن ادله تأکید می کنند (رای اصراری در پرونده کلاسه ۱۱/۳۰۲/۷۰ به نقل از: بازگیر، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲) و بر صدور حکم محکومیت بر مبنای ادله اثبات دعوی مناسب که از طریق قانونی فراهم و تحصیل شده باشند (آرای صادره از شعب دیوان عالی کشور به نقل از: طباطبائی، ۱۳۸۱، صص ۱۳ و ۱۴) صحه می گذارند. دیوان



عالی کشور فرانسه نیز از مدت ها قبل، ادله ای که از طریق مکر و حيله به دست آمده باشند را ادله ای متقلبانه و نامشروع قلمداد نموده و استفاده از شیوه هایی که قواعد صداقت و درستکاری را کنار گذاشته باشند را خلاف شأن مقام قضا دانسته و در بسیاری از آرای خود، استفاده از مکر و حيله را تعرض به حقوق دفاعی متهم قلمداد نموده است و حتی در یکی از آرای خود آورده است که هر شیوه ای که با دسیسه و نیرنگ و به منظور تحریک به اقدامات مجرمانه صورت گیرد غیر قابل پذیرش است زیرا حيله و فریب، تحصیل دلیل و کشف حقیقت را خدشه دار و به اصل مشروعیت تحصیل ادله لطمه وارد می آورد. بر همین اساس، عدم مشروعیت بیانگر فریب، حيله، مکر، تطمیع، تهدید و کلیه اقدامات تقلیل دهنده یا سلب کننده اختیار دانسته شده است. در حقوق کشور فرانسه از معیار لطمه به اختیار و اراده اشخاص برای عدم پذیرش اعمال نامشروع استفاده می شود. بنابراین، اطلاعات تحصیل شده از طریق مکر و حيله و تحریک، بر خلاف اراده و اختیار اشخاص و لطمه به اصل مشروعیت تحصیل دلیل محسوب می شود. مقامات قضایی و ماموران پلیس تابع اصل مشروعیت تحصیل دلیل هستند و بر اساس این اصل، از توسل به مکر و حيله که کرامت عدالت و دادگستری را به مخاطره می اندازد، منع شده اند. هر چند کلیه مقامات دولتی به استناد قانون و رویه قضایی قدرت و صلاحیت انجام کلیه اعمال مفید برای کشف حقیقت را دارند ولی این مقامات باید همواره با حفظ استقلال و بی طرفی خود در کلیه مراحل دادرسی، ضمن احترام به سوگند قضایی خود، همواره به دنبال دستیابی به حقیقت و کشف واقعیتهای باشند که از طرق مشروع و قانونی و بدون تنزل مقام و منزلت خود یا تجاوز به حقوق اشخاص بدست آمده باشد؛ بنابراین باید از هرگونه تحریف حقیقت و مکر و حيله خودداری کنند و هدف دادرسی را با توسل به مکر و حيله و طرق نامشروع توجیه نکنند. توجه به این نکته که در حقوق ایران، قضات پس از ختم رسیدگی باید با استعانت از خداوند و با تکیه بر شرف و وجدان خود انشای رأی نمایند، اهمیت این موضوع را بیشتر آشکار می کند.

### ب- استفاده از طرق علمی و جدید در تحصیل دلیل

گفته شد که شیوه های جدیدی که با سلب اراده انسان، لقرار گرفته می شود، ممنوع و فاقد وجاهت قانونی است و دیوان اروپایی حقوق بشر نیز آنها را مخالف با کرامت انسان ها و دادرسی منصفانه دانسته است. امروزه توسل نکردن به رفتارهای غیر انسانی از حقوق متهم و قابل حمایت افراد، نشان دهنده یک جامعه متمدن است. اعمال خشونت در فرآیند دادرسی به طور کلی ممنوع است و مقامات قضایی از توسل به اینگونه اقدامات که بر خلاف شأن انسان و کرامت دادگستری است منع شده اند. به عنوان نمونه در استفاده از بازجویی با مواد مخدر که خلاف شأن و اعتبار دادگستری است و این روش را نباید با شیوه (تشخیص با مواد مخدر) اشتباه کرد. در این شیوه اخیر که مبتنی بر استفاده از یک کارشناس پزشکی و تشخیص درمانی است، در صورتی که به منظور تشخیص بیماری اشخاص و دستیابی به راه حل درمان آنها و حتی روشن شدن شخصیت متهم در چارچوب یک بررسی پزشکی استفاده می شود، هیچ گونه منع قانونی وجود ندارد. در واقع از این روش گاه برای پرده برداشتن از تظاهر افراد به برخی امور استفاده می شود مثلاً فردی پس از ارتکاب جرم، تظاهر به جنون می کند و در واقع تلویحاً ارتکاب رکن مادی جرم را می پذیرد ولی سعی در آن دارد تا رکن معنوی را متزلزل و مسئولیت کیفری را از خود سلب کند (بر عکس کسی که دروغ می گوید و می خواهد رکن مادی جرم را از خود سلب نماید).

رویۀ قضایی فرانسه در این راستا، استعمال مواد داروئی را می پذیرد ولی اجازه استعمال مواد درمانی با وسایل پزشکی بر روی متهم را فقط به منظور خنثی کردن خدعه و حیله و افشای تظاهر و تمارض متهم می دهد ولی ادله ای که از این طریق بدست می آید، از نظر اثبات جرم ارتكابی به هیچ وجه ارزش قضایی ندارد و توسل مقامات قضایی به این گونه ادله فاقد وجاهت قانونی و بر خلاف کرامت دادگستری است. (انصاری، ۱۳۸۰، ص ۵۳۰)

بنابراین اصل مشروعیت تحصیل دلیل خواهان آن است تا همانگونه که جایگاه و شأن و شخصیت افراد در فرآیند دادرسی و بویژه تحصیل دلیل با احترام قرین می گردد، ارزش و اعتبار دادگستری و شأن و منزلت مجریان آن نیز حفظ گردد و از هر گونه اقدامی که باعث تحریف حقیقت و انحراف فرآیند دادرسی می شود امتناع گردد.

کاربرد شیوه های جمع آوری دلیل باید با خطر اجتماعی ناشی از جرم از تناسب باشد و همین امر مؤید نسبی بودن مشروعیت است. به بیان دیگر، گاه طریقی که برای تحصیل دلیل یک جرم با درجه اهمیت پایین، روشی نامشروع به شمار می رود همان طریق برای جرم دیگری با اهمیت بیشتر، روشی مطلقاً مشروع تلقی می گردد. با تمام این تفصیل اصل تناسب شیوه دلیل با اهمیت جرم ارتكابی را نباید تا آنجا پیش برد که به نوعی مورد استفاده توجیه گرانه برای طرق غیرمشروع جمع آوری دلیل قرار گیرد، بدین معنی که اصل یاد شده هرگز نمی تواند به کارگیری داغ و درفش را بهانه اهمیت فراوان جرم ارتكابی توجیه نماید. لذا هر مرجعی که مسئول اخذ و تحصیل ادله کیفری شناخته می شود ناگزیر است تا در این مسیر حقوق جهانی متهم را محترم بشمارد و از مرزبندی های به رسمیت شناخته شده تجاوز ننماید.

- ۱- آتف،رنالد،۱۳۸۳، رهیافت جرم شناختی و بزه دیده شناسی به تروریسم (تحلیل جرم شناختی تروریسم)، علی حسین نجفی ابرندآبادی، ترجمه مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۹
- ۲- آشوری،محمد،۱۳۸۳،آیین دادرسی کیفری، تهران،نشر سمت
- ۳- آشوری،محمد،۱۳۷۶،عدالت کیفری(مجموعه مقالات)،تهران،گنج دانش
- ۴- آشوری،محمد،۱۳۷۲،اصل برات و آثار آن در امور کیفری،مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی،ش ۲۹
- ۵- آخوندی،محمود،۱۳۷۹،آیین دادرسی کیفری،اندیشه ها،چاپ اول،قم،انتشارات اشراق
- ۶- اردبیلی،محمدعلی،۱۳۸۵، تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام،مجله تحقیقات حقوقی،شماره ۴۳
- ۷- استفانی،گاستون و دیگران،۱۳۷۷،آیین دادرسی کیفری،ترجمه حسن دادبان،تهران،دانشگاه علامه طباطبایی،ج ۱
- ۸- امیدی،جلیل،۱۳۸۳،دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم،علوم جنایی(مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)،تهران،نشر سمت
- ۹- امیرارجمند،اردشیر،۱۳۸۱،مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر،اسناد جهانی،تهران،انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ۱۰- انصاری،ولی الله،۱۳۸۰،حقوق تحقیقات جنایی(مطالعات تطبیقی)چاپ اول،تهران،نشر سمت
- ۱۱- بازگیر،یدالله،۱۳۸۰،آرای ماهوی دیوان عالی کشور در امور حقوقی و جزایی،تهران،دانش نگار
- ۱۲- پورزندمقدم،پژمان،۱۳۷۹،مطالعه تئوری دلیل در دادرسی کیفری،پایان نامه کارشناسی ارشدحقوق جزا،دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- ۱۳- پرو،روژه،۱۳۸۴،نهادهای قضایی فرانسه،ترجمه شهرام ابراهیمی،عباس تدین و غلام حسن کوشکی،تهران،سلسبیل
- ۱۴- تدین،عباس،۱۳۸۸،تحصیل دلیل در آیین دادرسی،تهران،نشر میزان
- ۱۵- تدین،عباس،۱۳۸۶،نوآوری های لایحه آیین دادرسی کیفری،ماهنامه تعالی حقوق،سال دوم،شماره های ۱۶ و ۱۷
- ۱۶- جعفری لنگرودی،محمدجعفر،۱۳۸۰،ترمینولوژی حقوق،تهران،گنج دانش
- ۱۷- جعفری تبریزی،محمدتقی،۱۳۷۰،حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب،چاپ اول،تهران،انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۸- جعفری،عباس،۱۳۸۵،بررسی حق حریم خصوصی،ماهنامه تعالی حقوق،سال اول،شماره های ۱ و ۲ و ۳
- ۱۹- حسنی،جعفر،۱۳۸۵،حمایت کیفری از حریم خصوصی در فضای سایبر،پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا،دانشکده حقوق شهید بهشتی
- ۲۰- دلماس مارتی،می ری،۱۳۸۱،نظامهای بزرگ سیاست جنایی،ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی،تهران،نشر میزان

- ۲۱- دورنات، میا، ۱۳۸۶، آزادی بیان و آزادی مطبوعات، یک حق انسانی است، ترجمه اسماعیل حدادیان مقدم، نشریه رسانه، سال دوازدهم، ش ۱
- ۲۲- راوندی، مرتضی، ۱۳۶۸، سیر قانون دادگستری در ایران، تهران، نشر چشمه
- ۲۳- سوانسون، چارلز، نیل سی چاملین ولئونارد تری تو، ۱۳۸۱، تحقیقات جنایی، ترجمه مهدی نجابتی، رضا پرویزی و اصغر شفیعی نیک، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی
- ۲۴- شاملو، باقر، ۱۳۸۳، اصل برائت کیفری در نظام های نوین دادرسی، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمدآشوری)، تهران، نشر سمت
- ۲۵- طباطبائی، سید عبدالرضا، ۱۳۸۱، گزیده ای از موارد تجدیدنظر فوق العاده، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
- ۲۶- فاخری، سیمیندخت، ۱۳۷۹، حمایت از کرامت انسانی در قوانین کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
- ۲۷- کین، جان، ۱۳۸۵، آزادی مطبوعات؛ حق و ضرورت، ترجمه نازنین شاه کنی، نشریه کیان، ش ۵۴
- ۲۸- گلدوزیان، ایرج، بی تا، کیفیت تحصیل دلیل در حقوق جزای فرانسه، فصلنامه حق، دفتر پنجم
- ۲۹- محمودی جانکی، فیروز، ۱۳۷۶، طریقت یا موضوعیت ادله اثبات دعوی در حقوق کیفری ایران و مصر، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)
- ۳۰- معتمدنژاد، کاظم و معتمد نژاد، رویا، ۱۳۸۵، ارکان حقوقی آزادی مطبوعات، اصل انتشار آزادانه مطبوعات و استثناء ها و محدودیت های آن، نشریه رسانه، سال نهم، ش ۲
- ۳۱- مندل، توبی، ۱۳۸۱، اصول حاکم بر حریم خصوصی اطلاعات، ترجمه باقر انصاری، ماهنامه معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال اول، ش ۳
- ۳۲- نجفی ابرنبدآبادی، علی حسین، ۱۳۸۴، سیاست جنایی، علوم جنایی (مجموعه مقالات مواد مخدر)، تهران، انتشارات سلسبیل
- ۳۳- هاشمی، سید محمد، ۱۳۸۴، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مبانی کلی نظام، چاپ ششم، تهران، نشر میزان